

در نخستین گزارش شاخص توسعه انسانی، این شاخص به‌عنوان فرایند گسترش انتخاب‌های انسانی تعریف شده است. از این رو، توسعه انسانی از یک سو به منزله یک فرایند است و از سوی دیگر بخشی از موفقیت استراتژی توسعه را نشان می‌دهد. توسعه انسانی به‌عنوان یک فرایند، همانا «گسترش گزینه‌های انسانی» است و به‌عنوان سطحی از موفقیت، چگونگی دستیابی به گزینه‌های مربوط را در جوامع مورد نظر، در مقایسه با جوامع دیگر، نشان می‌دهد. بنابراین، توسعه انسانی گرچه بر رشد ظرفیت‌های مادی در کنار پرورش استعدادهای ذهنی تأکید دارد، رشد اقتصادی را نیز ابزاری در خدمت «زندگی بهتر انسان» می‌داند.

شاخص توسعه انسانی (HDI) از ترکیب این اجزاء به دست آمده است:

● امید به زندگی به هنگام تولد: حداقل ۲۵ و حداکثر ۸۵ سال؛

● نرخ باسوادی بزرگسالان: صفر و صد درصد (دو سوم وزن در شاخص)؛

● نسبت ترکیبی ثبت نام خالص: صفر و صد درصد (یک سوم وزن در شاخص)؛

● تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی (برحسب PPP): صد دلار و ۴۰ هزار دلار.

چنان که جدول شماره یک نشان می‌دهد، در سال ۲۰۰۳ میلادی، نروژ از لحاظ شاخص توسعه انسانی در صدر کشورهای جهان بوده و این کشور ۴/۵ میلیون نفری پس از سالها توانسته است به جایگاه نخست که از آن کانادا بوده، برسد. استرالیا و آمریکا از لحاظ این شاخص به ترتیب رتبه‌های ۴ و ۷ را در میان کشورهای جهان به خود اختصاص داده‌اند. از سوی دیگر، کشور هند است که در میان ۱۸ کشور مورد مقایسه از لحاظ شاخص توسعه انسانی (Human Development Index - HDI) در ردیف آخر است و در میان کشورهای جهان، رتبه صدویست و هفتم را دارد. ایران در سال ۲۰۰۳، صدوششمین کشور جهان از لحاظ شاخص توسعه انسانی بوده است. البته ارقام مربوط به شاخص توسعه انسانی در ایران، چنان که

برای بررسی عملکرد یک کشور، ناگزیر از مقایسه‌ایم. می‌توان روند تغییرات یک کشور را از لحاظ شاخص‌های مورد بررسی در گذر سالها نشان داد، یا در برهه زمانی مشخص، وضع یک کشور را با اوضاع دیگر کشورها مقایسه کرد. در این مقاله باروش دوم، وضع ایران براساس داده‌های «گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۳» سازمان ملل متحد، با ۱۷ کشور دیگر در پنج قاره مقایسه شده است؛ کشورهایی که برخی توسعه یافته و برخی توسعه نیافته‌اند، اما بیشتر آنها به‌گونه نسبی از دید ژئوپلیتیکی و اقتصادی مهم محسوب می‌شوند. در این مقایسه، شاخص‌های جمعیتی، بهداشتی و آموزشی با تأکید بر اوضاع اقتصادی آنها بررسی می‌شود. این کشورها عبارتند از: نروژ، استرالیا، آمریکا، ژاپن، کره جنوبی، آرژانتین، امارات متحده عربی، کوبا، مالزی، روسیه، برزیل، عربستان، قزاقستان، ترکیه، چین، آفریقای جنوبی و هند.

شاخص توسعه انسانی:

توسعه فرایندی پویا و چند بُعدی است و امروزه اتفاق نظر کلی وجود دارد که سطح توسعه را نمی‌توان با شاخص و نماگرهای ساده نشان داد؛ از این رو، از چند دهه قبل، کوشش‌هایی برای تعیین یک شاخص ترکیبی که نشان دهنده سطح توسعه کشورها باشد، صورت گرفته است.

تا سال ۱۹۹۰ کوششها برای ابداع نماگرهای توسعه و تعیین روش ترکیب آنها برای ساخت یک شاخص واحد به نتیجه نهایی نرسیده بود تا اینکه در این سال برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) شاخص توسعه انسانی (HDI) را براساس نماگرهای کیفیت فیزیکی زندگی معرفی کرد. در واقع «توسعه انسانی» شاخصی جدید است که به سبب ناکارآمد بودن شاخص‌های ترکیب اجتماعی، در ارزیابی دستاوردهای توسعه به جای آنها به کار می‌رود.

نگاهی به گزارش

توسعه انسانی در

سال ۲۰۰۳

احمد رضا روشن

عضو هیات علمی مؤسسه

پژوهش و برنامه‌ریزی

آموزش عالی

شد. به جای نظریهٔ رشد صفر درصدی اقتصاد (Zero Rate of Growth) در کشورهای توسعه یافته یا نظریهٔ رشد صفر درصدی جمعیت در کشورهای در حال توسعه، امروزه آگاهی دوجانبه‌ای از اهمیت ارتباط میان روندهای جمعیتی و توسعهٔ اقتصادی-اجتماعی به دست آمده است.

در گذشته دو طرز تفکر متضاد در این زمینه وجود داشت، یکی مربوط به کسانی که می‌گفتند متغیرهای جمعیتی یکسره بستگی به توسعه و عدالت اجتماعی دارد و از این رو غیر مؤثر است، و دیگر دیدگاه کسانی که متغیرهای جمعیتی را از اجزای مؤثر توسعه می‌دانستند و اصرار داشتند که هدفهای توسعه، برای مثال، باید بر اساس کنترل موالید باشد. امروزه هیچ کس حتی فکر این را نمی‌کند که خط‌مشی جمعیتی جایگزین مناسبی برای سیاست توسعه است، اما کسی هم با این موضوع مخالف نیست که سیاست توسعه باید دربرگیرنده برخی هدفهای جمعیتی باشد.

امروزه بحثهای گوناگون دربارهٔ جمعیت در جهان از نظر ایدئولوژیک به زمینه‌ای مشترک رسیده است، با این باور که علت اساسی مشکلات جمعیتی، خود توسعه نیافتگی است. از سوی دیگر، این واقعیت مطرح است که مطالعات جمعیت‌شناسی، بیرون از مباحث اقتصادی و اجتماعی، بی نتیجه است.

بر اساس جدول شمارهٔ یک، در میان کشورهای مقایسه شونده، سه کشور چین، هند و آمریکا به ترتیب با ۱۲۸۵/۲، ۱۰۳۳/۴ و ۲۸۸/۰ میلیون نفر بیشترین و کشورهای امارات متحدهٔ عربی، نروژ و کوبا به ترتیب با ۴/۵، ۲/۹ و ۱۱/۲ میلیون نفر، کمترین جمعیت را دارند. جمعیت ترکیه نیز ۶۹/۳، مالزی ۲۳/۵، کرهٔ جنوبی ۴۷/۱ و عربستان ۲۲/۸ میلیون نفر است. جمعیت کل جهان در سال ۲۰۰۱، ۶۱۴۸/۱ میلیون نفر بوده است. جمعیت ایران بر پایهٔ «گزارش توسعهٔ انسانی ۲۰۰۳»، ۷/۲ میلیون نفر اعلام شده که در سالهای ۲۰۰۱-۱۹۷۵ بطور متوسط سالانه ۲/۷ درصد رشد داشته است. برآورد این گزارش این است که

از جدول شمارهٔ ۲ پیداست، در سالهای ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۱ همواره بالا رفته و از ۰/۵۶۲ در سال ۱۹۷۵ به ۰/۷۱۹ در سال ۲۰۰۱ رسیده است، اما در واقع شتاب دیگر کشورهای برای دستیابی به توسعهٔ انسانی بهتر، بیش از ایران بوده است. جدول شمارهٔ ۳ گویای این نکته است، زیرا رتبهٔ ایران از لحاظ شاخص توسعهٔ انسانی در جهان، با فراز و نشیب‌هایی، از رتبهٔ ۹۲ در سال ۱۹۹۱ میلادی به ۱۰۶ در سال ۲۰۰۳ رسیده است که شوربختانه بالاترین (بدترین) رتبهٔ ایران از لحاظ شاخص توسعهٔ انسانی، تقریباً در یک دههٔ گذشته به شمار می‌آید.

جمعیت:

یکی از مهمترین عواملی که بر مسیر تحول اجتماعی جوامع اثر می‌گذارد، جمعیت است. تعداد، ترکیب سنی، ترکیب جنسی جمعیت و... شاخص‌هایی است که تحلیل آنها می‌تواند سمت‌وسو و چگونگی تحولات آتی یک کشور را تا اندازه‌ای نشان دهد.

با اینکه نزدیک به نیم قرن که از آغاز مطالعات گوناگون در نهادهای گوناگون بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و نیز دانشگاه‌های جهان در این مورد می‌گذرد، باید گفت که شوربختانه یافته‌ها و دانسته‌ها دربارهٔ تأثیر عامل جمعیت بر توسعهٔ اقتصادی اندک و نارساست. بطور کلی، شمار اندکی از تحلیل‌هایی که در زمینه‌های مهم و کلیدی جمعیت صورت گرفته، موفقیت آمیز بوده است. البته یکی از موانع عمدهٔ تشخیص همبستگی جمعیت و توسعه، درک ناقص از فرایندهای توسعه است. دومین علت این است که تحلیل‌های دموگرافیک بیشتر با معیار زمانی بلندمدت‌تر از تحلیل توسعه درگیر هستند.

به رغم این مشکلات، در برخی زمینه‌ها پیشرفت‌های ارزشی به دست آمده است؛ از جمله در زمینه‌های همبستگی جمعیت با منابع و محیط زیست. نظرات افراطی اولیه در سمپوزیومهای سازمان ملل دربارهٔ جمعیت و رشد اقتصادی در دههٔ هفتاد به نظرانی متعادل‌تر در دههٔ هشتاد تبدیل

● توسعه فرایندی پویا و چند بُعدی است و امروزه اتفاق نظر کلی وجود دارد که سطح توسعه را نمی‌توان با شاخص و نماگرهای ساده نشان داد؛ از این رو، از چند دههٔ قبل، کوشش‌هایی برای تعیین یک شاخص ترکیبی که نشان دهندهٔ سطح توسعهٔ کشورها باشد، صورت گرفته است.

در سالهای ۲۰۱۵-۲۰۱۶ میانگین رشد سالانه جمعیت ایران ۱/۴ درصد خواهد بود. از لحاظ ساختار سنی جمعیت، در میان ۱۸ کشور مورد بررسی، عربستان، ایران و هند به ترتیب با ۳۳/۹، ۳۹/۳ و ۳۳/۷ درصد کل جمعیت زیر ۱۵ سال، جوانترین ساختار جمعیتی را دارند. به سخن دیگر، بخش جوان در ساختار جمعیتی این کشورها نقش مهمتری دارد و الزامات و سیاستگذاری‌های مربوط به خود را می‌طلبند. چنان‌که پیداست، در ایران بیش از یک سوم جمعیت کمتر از ۱۵ سال دارند و ۷۰ درصد جمعیت نیز گروه سنی زیر ۳۰ سال را دربر گرفته است.

برخی صاحب‌نظران، از جمله ساموئل هانتینگتون، ساختار سنی جمعیت در یک جامعه را مهمترین عامل تحولات اجتماعی می‌دانند. جوان بودن جمعیت ایران نیز مسئله‌ای است که برنامه‌ریزی‌های دقیق برای بر آوردن نیازهای این قشر، از جمله ایجاد شغل، آموزش و تأمین بهداشت و... را الزامی ساخته است.

یکی از مسائل اساسی جوانان مسئله ازدواج است.

به گفته رئیس سازمان ملی جوانان، اکنون فقط

به همین ترتیب، ۲ کشوری که کمترین جمعیت جوان را دارند، ژاپن، روسیه و آمریکا هستند که در آنها ۱۴/۵، ۱۷/۲ و ۱۷/۳ درصد

● توسعه انسانی گرچه بر رشد ظرفیت‌های مادی در کنار پرورش استعداد های ذهنی تأکید دارد، رشد اقتصادی را نیز ابزاری در خدمت «زندگی بهتر انسان» می‌داند.

جدول ۱

کشور	رتبه در HDI	جمعیت (میلیون نفر)	جمعیت زیر ۱۵ سال (درصد)	امید به زندگی (سال)	نرخ باسوادی افراد ۱۵ سال به بالا (درصد)	جمعیت دچار سوء تغذیه (درصد)	کودکان دچار کمبود وزن (درصد)	کودکان دچار کوتاهی قد (درصد)	کاربران اینترنت (در هر هزار نفر)
نروژ	۱	۴/۵	۱۹/۸	۷۸/۷	۹۹	-	-	-	۴۶۳/۸
استرالیا	۴	۱۹/۴	۲۰/۳	۷۹/۰	۹۹	-	-	-	۵۰۱/۵
آمریکا	۷	۲۸۸/۰	۱۷/۳	۷۶/۹	۹۹	-	-	-	۳۷۱/۴
ژاپن	۹	۱۲۷/۳	۱۴/۵	۸۱/۳	۹۹	-	-	-	۳۸۴/۲
کره جنوبی	۳۰	۴۷/۱	۲۰/۶	۷۵/۲	۹۷/۹	-	-	-	۵۲۱/۱
آرژانتین	۳۴	۳۷/۵	۲۷/۵	۷۳/۹	۹۶/۹	-	۵	۱۲	۱۰۰/۸
امارات	۴۸	۲/۹	۲۶/۴	۷۴/۴	۷۶/۷	-	۱۴	۱۷	۳۱۴/۸
کوبا	۵۲	۱۱/۲	۲۰/۸	۷۶/۵	۹۶/۸	۱۳	۴	۵	۱۰/۷
مالزی	۵۸	۲۳/۵	۳۳/۴	۷۲/۸	۸۷/۹	-	۱۸	-	۲۷۳/۱
روسیه	۶۳	۱۴۴/۹	۱۷/۲	۶۶/۶	۹۹/۶	-	۳	۱۳	۲۹/۳
برزیل	۶۵	۱۷۴/۰	۲۸/۸	۶۷/۸	۸۷/۳	۱۰	۶	۱۱	۴۶/۶
عربستان	۷۳	۲۲/۸	۳۹/۳	۷۱/۹	۷۷/۱	۳	۱۴	۲۰	۱۳/۴
قزاقستان	۷۶	۱۵/۵	۲۶/۹	۶۵/۸	۹۹/۴	-	۴	۱۰	۹/۳
ترکیه	۹۶	۶۹/۳	۳۱/۲	۷۰/۱	۸۵/۵	-	۸	۱۶	۶۰/۴
چین	۱۰۴	۱۲۸۵/۲	۲۴/۳	۷۰/۶	۸۵/۸	۹	۱۰	۱۷	۲۵/۷
ایران	۱۰۶	۶۷/۲	۳۳/۹	۶۹/۸	۷۷/۱	۵	۱۱	۱۵	۱۵/۶
آفریقای جنوبی	۱۱۱	۴۴/۴	۳۳/۶	۵۰/۹	۸۵/۶	-	۱۲	۲۵	۶۴/۹
هند	۱۲۷	۱۰۳۳/۴	۳۳/۷	۶۳/۳	۵۸/۰	۲۴	۴۷	۴۶	۶/۸
کل جهان	-	۶۱۴۸/۱	۲۹/۸	۶۶/۷	-	-	-	-	۷۹/۶

وضع تغذیه:

در این بخش آمارهای مربوط به سه شاخص عمده بررسی می‌شود که عبارت است از: «درصد جمعیت دچار سوء تغذیه»، «درصد کودکان دچار کمبود وزن» و «درصد کودکان دچار کوتاهی قد». گرچه آمارهای مربوط به این موارد در برخی کشورها کامل نیست (و این موضوع با خط تیره در جدول مشخص شده است)، اما به جهت اهمیت این شاخص‌ها، بررسی شده است.

البته آمارهای شاخص «درصد جمعیت دچار سوء تغذیه» که در ستون هفتم جدول شماره یک آمده است، در کشورهای بسیار توسعه یافته در دسترس نیست، اما می‌توان انتظار داشت که مقدار عددی این شاخص برای این کشورها ناچیز و در حد صفر باشد. به هر حال در عربستان فقط ۳ درصد جمعیت دچار سوء تغذیه‌اند؛ در حالی که در هند ۲۴ درصد، در کوبا ۱۳ درصد و در برزیل ۱۰ درصد جمعیت دچار سوء تغذیه هستند. این شاخص در کشور چین ۹ درصد است. به سخن دیگر، ۱۱۶ میلیون نفر در چین از فقر غذایی رنج می‌برند.

مقدار عددی این شاخص برای ایران ۵ درصد است که نشان می‌دهد نزدیک به ۳/۴ میلیون نفر از ایرانیان در بر آوردن نیازهای اولیه غذایی خود دچار مشکل هستند.

آمار مربوط به شاخص «درصد کودکان دچار کمبود وزن» در کشورهای نروژ، استرالیا، آمریکا، ژاپن و کره جنوبی موجود نبوده است، اما به نظر می‌رسد منطقی باشد که بگوییم، به علت پیشرفته بودن و سطح بالای توسعه انسانی در این کشورها، درصد کودکان دچار کمبود وزن در آنها ناچیز یا در حد صفر است. در مورد بقیه کشورهای چنان که از ستون هشتم جدول شماره یک مشخص است، کشورهای روسیه، کوبا و قزاقستان به ترتیب با ۳ درصد، ۴ درصد و ۴ درصد، دارای کمترین درصد کودکان دچار کمبود وزن هستند. برعکس، کشورهای هند، مالزی، عربستان و امارات متحده عربی به ترتیب با ۴۷ درصد، ۱۸ درصد و

گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ ساله در بر گیرنده ۲۲ میلیون و ۵۸۶ هزار نفر است. وی می‌گوید: عواملی چون علاقه به تحصیل و دستیابی به شغل مناسب باعث شده است که سن ازدواج برای پسران به ۲۷ سال و برای دختران به ۲۲/۵ سال افزایش یابد. این در حالی است که میانگین نرخ رشد جمعیت این گروه سنی در سالهای ۱۳۷۶-۸۲ معادل ۴/۱ درصد در سال، یعنی در حدود ۳ برابر نرخ رشد کل جمعیت بوده است. اکنون، بر اساس میانگین سنی، آمار سالانه ازدواج در ایران باید به ۷۵۰ هزار مورد برسد، اما آمار ازدواج‌های ثبت شده سالانه کمتر از ۶۰۰ هزار نفر بوده است که در نتیجه، هر سال نزدیک به ۱۵۰ هزار نفر از ازدواج محروم می‌شوند. همچنین آمار دختران واجد شرایط ازدواج در گروه سنی ۱۵-۲۹ ساله در سال ۱۳۷۵ حدود ۳ میلیون و ۵۳۶ هزار نفر بوده که در سال ۱۳۸۰ به ۴ میلیون و ۴۴۵ هزار نفر رسیده است. در همین حال، مازاد دختران ازدواج نکرده در سال ۱۳۸۰ حدود ۸۸۸ هزار نفر و مازاد پسران ازدواج نکرده در همین سال فقط حدود ۱۰۰ هزار نفر بوده است که این نیز مشکلات اجتماعی خاص خود را به وجود می‌آورد.

امید به زندگی

«امید به زندگی» یک شاخص مهم در بررسی روند توسعه انسانی در کشورهاست و گرچه به ظاهر یک شاخص ساده به نظر می‌رسد، اما در واقع عملکرد سازمان بهداشتی یک کشور را نشان می‌دهد و اینکه چگونه توانسته است شرایط بهداشت جسمی افراد را تأمین کند و طول عمر آنها را افزایش دهد.

در میان کشورهایی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند، سه کشور ژاپن، استرالیا و نروژ با امید به زندگی ۸۱/۳، ۷۹/۰ و ۷۸/۷ سال، بیشترین و کشورهای آفریقای جنوبی، هند و قزاقستان به ترتیب با ۵۰/۹، ۶۳/۳ و ۶۵/۸ سال، کمترین امید به زندگی را دارند. شاخص امید به زندگی در ایران ۶۹/۸ سال است که نسبت به میانگین جهانی این شاخص (۶۶/۷ سال) بیشتر است و وضع بهتری دارد.

● ایران در سال ۲۰۰۳، صد و ششمین کشور جهان از لحاظ شاخص توسعه انسانی بوده است. البته ارقام مربوط به شاخص توسعه انسانی در ایران، در سالهای ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۱ همواره بالا رفته و از ۰/۵۶۲ در سال ۱۹۷۵ به ۰/۷۱۹ در سال ۲۰۰۱ رسیده است، اما در واقع شتاب دیگر کشورها برای دستیابی به توسعه انسانی بهتر، بیش از ایران بوده است.

۱۴ درصد، بیشترین تعداد کودکان دچار کمبود وزن را دارند.

بر پایه این آمارها، ۱۱ درصد کودکان ایران دچار کمبود وزن هستند.

شاخص بهداشتی دیگری که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد «درصد کودکان دچار کوتاهی قد» در ۱۷ کشور است. در این مورد نیز آمارهای مربوط به شاخص یاد شده در کشورهای نروژ، استرالیا، آمریکا، ژاپن و کره جنوبی در گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۳ سازمان ملل نیامده است، اما فرض می‌کنیم که مقدار عددی این شاخص برای کشورهای مذکور، ناچیز یا در حد صفر است (البته آمار مربوط به مالزی نیز موجود نیست و قضاوت درباره آن دشوار است). اما در مورد کشورهای که آمارهایشان در دسترس است: عجیب است که عربستان هر چند از لحاظ منابع طبیعی ثروتمند است و با داشتن درآمد سرانه ۸۷۱۱ دلاری در ردیف کشورهای به نسبت مرفه قرار می‌گیرد، اما ۲۰ درصد کودکان این کشور گرفتار کوتاهی قد هستند و چنان که پیشتر گفته شد، ۱۴ درصد کودکان عربستانی کمبود وزن هم دارند! معلوم نیست ثروت بیکران این کشور چگونه توزیع می‌شود که چنین مشکلاتی دارد.

گرچه آمارهای مربوط به ضریب جینی (توزیع درآمد) در عربستان موجود نیست، اما می‌توان فرض کرد که وضع توزیع درآمد در این کشور مناسب نیست. البته عربستان از لحاظ کوتاهی قد کودکان در ردیف سوم کشورهای مورد بررسی قرار می‌گیرد. هند و آفریقای جنوبی از این لحاظ بدترین وضع را دارند (۴۶ و ۲۵ درصد). چنان که می‌دانیم، بیشترین فقرای جهان از لحاظ توزیع جغرافیایی در جنوب آسیا (شبه جزیره هند) و آفریقا هستند.

در میان کشورهایی که آمارهایشان موجود است، کوبا، قزاقستان و برزیل با ۵، ۱۰ و ۱۱ درصد به گونه نسبی وضع بهتری از لحاظ کوتاهی قد کودکان دارند. آمارها همچنین نشان می‌دهد که در ایران ۱۵ درصد کودکان دچار کوتاهی قد هستند.

● یکی از مهمترین عواملی که بر مسیر تحول اجتماعی جوامع اثر می‌گذارد، جمعیت است. تعداد، ترکیب سنی، ترکیب جنسی جمعیت و... شاخص‌هایی است که تحلیل آنها می‌تواند سمت و سو و چگونگی تحولات آتی یک کشور را تا اندازه‌ای نشان دهد.

سواد

آموزش نیز رکن دیگر توسعه انسانی است. در میان کشورهای مورد بررسی، روسیه با ۹۹/۶ درصد باسوادی بزرگسالان (۱۵ سال به بالا) بیشترین رقم باسوادان را دارد. پس از روسیه، قزاقستان با ۹۹/۵ درصد باسوادی قرار می‌گیرد و کشورهای نروژ، استرالیا، آمریکا و ژاپن هر یک با ۹۹ درصد نرخ باسوادی بزرگسالان، در سکوی سوم می‌ایستند.

از سوی دیگر، اگر بخواهیم ضعیف‌ترین کشورها را از لحاظ این شاخص معرفی کنیم، ناچار باید از ایران نیز نام ببریم. در میان این ۱۷ کشور، هند با نرخ باسوادی ۵۸/۰ درصد بدترین وضع را دارد و پس از آن امارات متحده با ۷۶/۷ درصد است و با فاصله‌ای اندک، ایران و عربستان قرار دارند که نرخ باسوادی در هر دو کشور ۷۷/۸ درصد است.

دسترسی به اینترنت

جدول ۲ - روند تغییرات مقدار عددی شاخص توسعه انسانی ایران در سالهای ۲۰۰۱-۱۹۷۵

سال	HDI
۱۹۷۵	۰.۵۶۲
۱۹۸۰	۰.۵۶۶
۱۹۸۵	۰.۶۰۷
۱۹۹۰	۰.۶۴۶
۱۹۹۵	۰.۶۹۰
۲۰۰۱	۰.۷۱۹

جدول ۳ - روند تغییرات رتبه ایران در میان کشورهای جهان از لحاظ شاخص توسعه انسانی در سالهای ۲۰۰۳-۱۹۹۱

سال	رتبه در میان کشورهای جهان
۱۹۹۱	۹۲
۱۹۹۳	۱۰۳
۱۹۹۷	۷۰
۱۹۹۹	۹۵
۲۰۰۱	۹۷
۲۰۰۳	۱۰۶

به سال ۲۰۰۱ میلادی است. در این سال، اقتصاد آمریکا بزرگترین اقتصاد جهان بوده است. تولید ناخالص داخلی این کشور ۱۰ هزار و ۶۵/۳ میلیارد دلار برآورد شده است که نزدیک به یک سوم تولیدات کل جهان را تشکیل می‌دهد، پس از آن، ژاپن قرار دارد که دومین اقتصاد بزرگ جهان و دومین کشور از این لحاظ در میان کشورهای مورد بررسی است (با ۴۱۴۱/۴ میلیارد دلار). در ردیف سوم نیز چین است که براساس جدول شماره ۴ تولید ناخالص داخلی آن ۱۱۵۹ میلیارد دلار برآورد شده است. البته بزرگی اقتصاد کشورها به علت تأثیری که در اقتصاد جهانی دارند با اهمیت است، و گرنه به خودی خود نشان‌دهنده رفاه اقتصادی مردمان در آن کشورها نیست؛ چنان که تولید ناخالص داخلی هند بیش از تولید ناخالص داخلی استرالیا است، اما همه می‌دانند که رفاه اقتصادی در استرالیا بیشتر از هند است.

کوچک‌ترین اقتصادها هم مربوط به کوبا، قزاقستان و امارات متحده عربی است که به ترتیب ۲۲/۳، ۲۲/۴ و ۴۸/۷ میلیارد دلار است. گفتنی است که مارهای مربوط به کوبا و امارات متحده عربی به علت اینکه در گزارش «توسعه انسانی در سال ۲۰۰۳» موجود نبوده، از گزارش توسعه انسانی در سال ۲۰۰۰ گرفته شده است.

چنان که از این جدول پیداست، تولید ناخالص داخلی (GDP) ایران در سال ۲۰۰۱ میلادی ۱۱۴/۱ میلیارد دلار برآورد شده است. در این سال کل تولید اقتصادی جهان را ۳۰ هزار و ۷۲۰/۹ میلیارد دلار گزارش کرده‌اند که سهم ایران از تولید اقتصادی دنیا ۰/۳۷ درصد بوده است (یعنی یک دویست و هفتادم اقتصاد جهانی). این در حال است که سهم ایران از کل جمعیت جهان تقریباً یک درصد است. بدین ترتیب اگر قرار بود سهم ایران از اقتصاد جهانی متناسب با سهم ایران در جمعیت جهانی باشد (یعنی تقریباً یک درصد) تولید ناخالص داخلی ایران باید به جای ۱۱۴ میلیارد دلار به ۳۰۰ میلیارد دلار بالغ می‌گشت.

درآمد سرانه

درآمد سرانه مهم‌ترین شاخص سطح رفاه

شاخص جالب دیگری که به بررسی آن می‌پردازیم، میزان دسترسی به اینترنت در کشورها است. این شاخص، گرچه ربط مستقیمی به محاسبه شاخص توسعه انسانی کشورها ندارد، اما چون در واقع دسترسی افراد جامعه را به جریان سیال و آزاد اطلاعات نشان می‌دهد. شاخص مهمی به‌شمار می‌آید.

بر پایه شاخص توسعه انسانی ۲۰۰۳ تهیه شده از سوی «برنامه عمران ملل متحد» (UNDP)، بیشترین میزان دسترسی به اینترنت در میان این کشورها در کره جنوبی است. در این کشور از هر هزار نفر، ۵۲۱/۱ نفر کاربر اینترنت هستند. پس از آن آمریکا است که از هر هزار نفر ۵۰۱/۵ نفر به اینترنت دسترسی دارند و در رتبه سوم، نروژ با ۴۶۳/۸ نفر قرار می‌گیرد.

در میان کشورهای مورد بررسی، هندیان کمترین دسترسی به اینترنت را دارند و در آن فقط ۶/۸ نفر در هر هزار نفر، کاربر اینترنت هستند. علت پایین بودن این رقم در هند را فقر گسترده می‌توان دانست. پس از آن قزاقستان است که در آن از هر هزار نفر فقط ۹/۳ نفر کاربر اینترنت هستند. رتبه سوم از لحاظ پایین بودن این شاخص به کوبا تعلق دارد، زیرا مقدار عددی این شاخص در آن کشور ۱۰/۷ است.

شوربختانه وضع ایران از لحاظ این شاخص چندان خوب نیست، زیرا از هر هزار نفر تنها ۱۵/۶ نفر کاربر اینترنت هستند (به سخن دیگر ۱/۵۶ درصد جمعیت) که رقم ناچیزی است و با میانگین جهانی این شاخص (۷۹/۶) فاصله بسیار دارد.

شاخص‌های اقتصادی

در این بخش به بررسی شاخص‌های اقتصادی ۱۷ کشور جهان بر پایه «گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۳» می‌پردازیم:

تولید ناخالص داخلی (GDP):

آمارهایی که در این بخش آورده شده، مربوط

● امروزه هیچ کس حتی فکر این را نمی‌کند که خط‌مشی جمعیتی جایگزین مناسبی برای سیاست توسعه است، اما کسی هم با این موضوع مخالف نیست که سیاست توسعه باید دربرگیرنده برخی هدفهای جمعیتی باشد.

(۱۹۷۵-۲۰۰۰) از آن چین با عدد خیره کننده ۸/۲ درصد بوده است. این عملکردی بسیار عالی برای چین به شمار می آید. پس از چین، کره جنوبی و مالزی قرار دارند که در این سالها بطور متوسط، به ترتیب ۶/۲ و ۴/۸ درصد رشد در آمد سرانه داشته اند.

در میان این کشورها، عربستان با رقم ۲/۸ درصد بدترین وضع را داشته است که البته علت آن کاهش قیمت نفت در این دوران بوده است. پس از آن، روسیه و آفریقای جنوبی هستند که شاخص های آنها به ترتیب ۱/۲- و ۰/۷ درصد بر آورد شده است.

وضع ایران از لحاظ این شاخص نیز چندان مطلوب نیست و گزارش نشان می دهد که در این مدت، قدرت خرید و سطح رفاه اقتصادی ایرانیان سال به سال پایین آمده است. ایران با نرخ رشد در آمد سرانه ۰/۶- در سالهای ۱۹۷۵-۲۰۰۰ میلادی، در زمره چهار کشوری است که در میان کشورهای مورد بررسی، رشد منفی در آمد سرانه داشته اند. همچنین به گونه ای که در جدول شماره ۴ دیده می شود، میانگین نرخ رشد سالانه در آمد سرانه برای همه کشورهای جهان در این دوره معادل ۱/۲ درصد بوده است.

ضریب جینی

ضریب جینی شاخصی است که چگونگی توزیع در آمد در میان افراد يك جامعه را نشان می دهد و مقدار عددی آن از صفر تا يك است؛ گاهی هم مانند گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۳ سازمان ملل، از صفر تا ۱۰۰ برای آن در نظر گرفته می شود. حال، با این فرض که شاخص عددی بین صفر تا ۲۰ نشان دهنده وضع خوب در زمینه توزیع در آمد در يك کشور، شاخص عددی ۲۰ تا ۴۰ نشان دهنده وضع متوسط، شاخص عددی ۴۰ تا ۶۰ نشان دهنده وضع بد و شاخص عددی بیشتر از ۶۰ نشان دهنده وضع خیلی بد است، به بررسی اوضاع کشورهای پرازمیم. گفتنی است که مقدار عددی این شاخص برای کشورهای آرژانتین، امارات متحده عربی، کوپا و عربستان در دسترس

اقتصادی مردمان يك کشور است. هر چند در آمد سرانه شاخص کاملی نیست، زیرا چگونگی توزیع در آمد میان افراد را نشان نمی دهد، اما به هر حال به گونه نسبی نشان دهنده میزان برخورداری افراد يك جامعه از امکانات اقتصادی است. بر اساس جدول شماره ۴ (ستون سوم)، در میان کشورهای مورد بررسی، در آمد سرانه تروژ با ۳۶۸۱۵ دلار بالاترین است. البته در میان همه کشورهای جهان، لوکز امبورگ با در آمد سرانه ۴۲۰۴۱ دلار در صدر قرار دارد اما در میان کشورهای منتخب ما، تروژ مقام نخست را از لحاظ بالا بودن شاخص در آمد سرانه به دست آورده است. ایالات متحده آمریکا و ژاپن نیز به ترتیب با ۳۵ هزار و ۲۷۷ دلار و ۳۲ هزار و ۶۰۲ دلار در رده های دوم و سوم قرار دارند.

برعکس، سه کشوری که کمترین در آمد سرانه را دارند، عبارتند از: هند، چین و قزاقستان که در آمد سرانه در آنها به ترتیب معادل ۴۶۲، ۹۱۱ و ۱۵۰۳ دلار است. شورویخانه ایران از لحاظ این شاخص هم وضع خوبی ندارد و با ۱۷۶۷ دلار در آمد سرانه، در رده چهارم از آخر است. در آمد سرانه ایران نسبت به میانگین جهانی این شاخص (۵۱۳۳ دلار) بسیار پایین است.

نرخ رشد در آمد سرانه

چنانچه شاخص در آمد سرانه در يك روند بلندمدت مورد ارزیابی قرار گیرد، تصویر واقعی تری از عملکرد کشورها در این زمینه به دست می آید زیرا در آمد سرانه ممکن است با گذشت زمان دچار تغییر شود و در يك سال با سال دیگر تفاوت چشمگیر داشته باشد (برای نمونه، در آمد سرانه کشورهای نفتی با بالا و پایین رفتن در آمد نفت، کم و زیاد می شود). از این رو، بررسی شاخص در آمد سرانه تنها در يك سال بخصوص، نمی تواند نشان دهنده اوضاع واقعی کشورها باشد. در این بخش، میانگین نرخ رشد سالانه در آمد سرانه کشورهای منتخب در سالهای ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۰ میلادی بررسی شده است.

بیشترین میانگین نرخ رشد سالانه در این دوره

● امروزه بحثهای گوناگون درباره جمعیت در جهان از نظر ایدئولوژیک به زمینه ای مشترک رسیده است، با این باور که علت اساسی مشکلات جمعیتی، خود توسعه نیافتگی است. از سوی دیگر، این واقعیت مطرح است که مطالعات جمعیت شناسی، بیرون از مباحث اقتصادی و اجتماعی، بی نتیجه است.

ضریب جینی در چین که يك کشور کمونیستی با ادعای رعایت برابری در توزیع درآمد و داشتن جامعه بی طبقه است، ۴۰/۳ است که از بسیاری از کشورهای پیشرفته صنعتی، از لحاظ شاخص ضریب جینی وضع بدتری دارد. رقم مربوط به ایران در این مورد ۴۳/۰ است؛ یعنی وضع در ایران از لحاظ توزیع درآمد نامناسب است.

صادرات با تکنولوژی پیشرفته

تکنولوژی تجسم علم است. به سخن دیگر، کاربرد عملی علم در تکنولوژی نمایان می شود و نتیجه نهایی پژوهشها و تحقیقات علمی هنگامی که در تولید کالاها و خدمات به کار رود، نام تکنولوژی به خود می گیرد.

بافرض هایی که مطرح شد، هیچ يك از کشورهای مورد بررسی در زمینه توزیع درآمد وضع خوبی ندارد، زیرا ضریب جینی در هیچ کشوری کمتر از ۲۰ نیست. در هر صورت در جدول شماره ۴ وضع شش کشور از لحاظ ضریب جینی متوسط است (از ۲۰ تا ۴۰)، وضع هفت کشور بد است (از ۴۰ تا ۶۰) و وضع يك کشور بسیار بد (بیش از ۶۰) ارزیابی شده است.

کشورهای ژاپن، نروژ و قزاقستان به ترتیب با ضریب های جینی ۲۴/۹، ۲۵/۴ و ۳۱/۲ به گونه نسبی، وضع خوبی در میان کشورهای مورد بررسی دارند و وضع کشورهای برزیل، آفریقای جنوبی و مالزی به ترتیب با شاخص های عددی ۶۰/۷، ۵۹/۳ و ۴۹/۲ بدترین وضع از لحاظ توزیع درآمد

جدول ۴:

کشور	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	درآمد سرانه (دلار)	نرخ رشد درآمد سرانه (دلار)	ضریب جینی	صادرات با تکنولوژی بالا (درصد)	نسبت هزینه های تحقیق و توسعه به تولید ناخالص داخلی
نروژ	۱۶۶/۱	۳۶۸۱۵	۲/۶	۲۵/۴	۱۲	۱/۷
استرالیا	۳۶۸/۷	۱۹۰۱۹	۱/۹	۳۵/۲	۱۰	۱/۵
آمریکا	۱۰۰۶۵/۳	۲۵۲۷۷	۲/۰	۴۰/۸	۳۲	۲/۷
ژاپن	۴۱۴۱/۴	۳۲۶۰۱	۲/۶	۲۴/۹	۲۶	۳/۰
کره جنوبی	۴۲۲/۲	۸۹۱۷	۶/۲	۳۱/۶	۲۹	۲/۷
آرژانتین	۲۶۸/۶	۷۱۶۶	۰/۴	—	۹	۰/۴
امارات	۴۸/۷	۱۷۸۷۰	—	—	—	—
کوبا	۲۳/۳	۲۱۸۰	—	—	—	۰/۵
مالزی	۸۸/۰	۳۶۹۹	۴/۱	۴۹/۲	۵۷	۰/۴
روسیه	۳۱۰/۰	۲۱۴۱	-۱/۲	۴۵/۶	۸	۱/۰
برزیل	۵۰۲/۵	۲۹۱۵	۰/۸	۶۰/۷	۱۸	۰/۸
عربستان	۱۸۶/۵	۸۷۱۱	-۲/۱	—	۹	—
قزاقستان	۲۲/۴	۱۵۰۳	—	۳۱/۲	۲۰	۰/۳
ترکیه	۱۴۷/۷	۲۲۳۰	۲/۰	۴۰/۰	۵	۰/۶
چین	۱۱۵۹/۰	۹۱۱	۸/۲	۴۰/۳	۲۰	۰/۱
ایران	۱۱۴/۱	۱۷۶۷	-۰/۶	۴۳/۰	۲	—
آفریقای جنوبی	۱۱۳/۳	۲۶۲۰	-۰/۷	۵۹/۳	۵	—
هند	۴۷۷/۳	۴۶۲	۳/۲	۳۷/۸	۶	۱/۲
کل جهان	۳۰۷۲۰/۹	۵۱۳۳	۱/۲	—	۲۳	—

به تولید ناخالص داخلی اش)، به گونه‌ای که در این کشور ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) به این امر اختصاص می‌یابد. چنان که گفتیم، تولید ناخالص داخلی ژاپن در سال ۲۰۰۱ معادل ۴۱۴۱/۴ میلیارد دلار بوده است (دومین اقتصاد بزرگ جهان). بنابراین، در ژاپن سالانه بیش از ۱۲۴ میلیارد دلار یا ۱۰۴ هزار و ۱۶۰ میلیارد تومان (با احتساب هر دلار معادل ۸۴۰ تومان) به تحقیق و پژوهش اختصاص می‌یابد. این رقم حتی از کل تولید ناخالص داخلی ایران بیشتر است.

دومین کشور از لحاظ بزرگی شاخص نسبت هزینه‌های تحقیق و توسعه به تولید ناخالص داخلی، آمریکا است. در این کشور ۲/۷ تولید ناخالص داخلی صرف پژوهش می‌شود. تولید ناخالص داخلی آمریکا در سال ۲۰۰۱، چنان که در جدول شماره ۴ دیده می‌شود، ۱۰ هزار و ۶۵/۳ میلیارد دلار بوده است که ۲/۷ درصد آن برابر با ۲۷۱/۸ میلیارد دلار می‌شود. این رقم گرچه از عدد مربوط به ژاپن بیشتر است، اما در اینجا نسبت به شاخص تولید ناخالص داخلی محاسبه شده است. اگر بخواهیم مقدار هزینه‌های تحقیقاتی در آمریکا را به پول داخلی تبدیل کنیم، باید بگویم که در سال ۲۰۰۱ میلادی در آمریکا ۲۲۸ هزار و ۳۱۲ میلیارد تومان صرف پژوهش شده است که حتی تصور آن نیز بسیار دشوار است. البته شاخص آورده شده در جدول شماره ۴ نشان نمی‌دهد که چه مقدار از هزینه‌های تحقیقاتی در کشورها را بخش دولتی برعهده گرفته و چه مقدار را بخش خصوصی پرداخته است.

سومین کشور از این لحاظ، کره جنوبی است. در این کشور نیز مانند آمریکا ۲/۷ درصد از تولید ناخالص داخلی به پژوهش اختصاص می‌یابد (۱۱/۴ میلیارد دلار یا ۹ هزار و ۵۷۵ میلیارد تومان).

بر اساس جدول شماره ۴ کشورهای نیز که کمترین مقدار از تولید ناخالص داخلی خود را به امر پژوهش اختصاص داده‌اند، کشورهای چین، عربستان، مالزی و آرژانتین هستند که به ترتیب ۰/۴، ۰/۳، ۰/۱ از تولید ناخالص داخلی‌شان را

ستون ۶ جدول شماره ۴، درصد صادرات با تکنولوژی پیشرفته را در برخی کشورهای جهان نشان می‌دهد. این شاخص به معنای آن است که به لحاظ ارزش، در چند درصد از صادرات یک کشور تکنولوژی بالا (High Tech) به کار رفته است. برای مثال، در مالزی ۵۷ درصد صادرات این کشور (به لحاظ ارزش، نه وزن) دارای تکنولوژی پیشرفته در ساخت است. البته این شاخص به ما نمی‌گوید که چه درصدی از این کالاهای صادراتی پیشرفته محصول توان واقعی و بومی یک کشور در زمینه تکنولوژی پیشرفته است و چه درصدی ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی و موتاژ است، اما به هر روی، حتی اگر این صادرات با تکنولوژی پیشرفته ناشی از سرمایه‌گذاری شرکت‌های پیشرفته خارجی باشد، باز هم آثار بلندمدت آنها برای کشور میزبان باقی می‌ماند.

پس از مالزی، ایالات متحده آمریکا قرار دارد که در ساخت ۳۲ درصد از کالاهای صادراتی این کشور، تکنولوژی پیشرفته به کار رفته است. کره جنوبی با ۲۹ درصد در رده سوم از لحاظ این شاخص قرار می‌گیرد.

برعکس، کشورهای ایران، آفریقای جنوبی، قزاقستان و هند به ترتیب با رقم‌های ۰/۲، ۰/۵ و ۰/۶ کمترین کالاهای صادراتی با تکنولوژی پیشرفته را داشته‌اند. ارزش عمده کالاهای صادراتی این کشورها از محصولات و مواد اولیه به دست می‌آید. این شاخص، یکی از شاخص‌هایی است که بر پایه آن، ایران در رده آخر قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد که کالاهای صادراتی ایران بیشتر نفت و محصولات کشاورزی و ساخته‌های دستی است و سهم کالاهای صنعتی با تکنولوژی پیشرفته در آن بسیار اندک است. البته در این جدول، آمارهای مربوط بهامارات متحده عربی و کوبا نیامده است. همچنین میانگین جهانی این شاخص ۲۳ درصد است که فاصله رقم مربوط به ایران (۲ درصد) با این عدد بسیار زیاد است.

هزینه‌های «تحقیق و توسعه»

در میان کشورهای جهان، بیشترین هزینه تحقیق و پژوهش مربوط به ژاپن است (نسبت

● عجیب است که عربستان هر چند از لحاظ منابع طبیعی ثروتمند است و با داشتن درآمد سرانه ۸۷۱۱ دلاری در ردیف کشورهای به نسبت مرفه قرار می‌گیرد، اما ۲۰ درصد کودکان این کشور گرفتار کوتاهی قد هستند و ۱۴ درصد کودکان عربستانی کمبود وزن هم دارند! معلوم نیست ثروت بیکران این کشور چگونه توزیع می‌شود که چنین مشکلاتی دارد.

سوادآموزی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی،
بهار ۱۳۸۲.

۶. مکتون، رضا، «راهبرد آموزش عالی، اشتغال و توسعه
کشور»، مجموعه مقالات کنگره راهبردهای توسعه
علمی ایران، اردیبهشت ۱۳۸۰.

۷. لرفعی مقدم، عبدالمجید، «توسعه در فرایند تحولات
جامعه»، مجموعه مقالات همایش سیاستها و مدیریت
برنامه‌های رشد و توسعه در ایران، اسفند ۱۳۸۲.

۸. تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه
دکتر غلامعلی فرجادی، مؤسسه عالی پژوهش در
برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۷.

صرف تحقیق و توسعه کرده‌اند.

منابع

۱. گزارشهای توسعه انسانی سازمان ملل در برخی سالها.

۲. سالنامه آماری ۱۳۸۱، مرکز آمار ایران.

۳. مسجدی، فرخ، «سنجش توسعه نیافتگی کشورها»،
فصلنامه اقتصادی ایران.

۴. مشتاق، مصطفی، «ساختار جمعیتی، الزامات و
پیامدهای آن در توسعه»، مجموعه مقالات نخستین
همایش تلویز برنامه سوم توسعه، مهر ماه ۱۳۷۷.

۵. روشن، احمدرضا، گزارش توسعه انسانی و

● **بزرگی اقتصاد**
کشورها به علت تأثیری که
در اقتصاد جهانی دارند با
اهمیت است، و گرنه به
خودی خود نشان دهنده
رفاه اقتصادی مردمان در آن
کشورها نیست؛ چنان که
تولید ناخالص داخلی هند
بیش از تولید ناخالص
داخلی استرالیاست، اما
همه می‌دانند که رفاه
اقتصادی در استرالیا بیشتر
از هند است.

